هو اللّه - ای سرمست جام پيمانه پيمان، نامه‌ ئی که بنام…

عبدالبهآء

اصلی فارسی



# هو اللّه

ای سرمست جام پيمانه پيمان، نامه‌ ئی که بنام جناب حاجی سيّد جواد مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد. مختصر مآل اينکه در امور تجارت حضرت سمندر خللی عارض و ياران قزوين چنين رأی زدند که تفريق بين الفريقين گردد ولی اين خرق التيام نيابد بلکه بنظر چنين آيد که کار مشکلتر گردد و عقده محکمتر شود انتهی ای ثابت نابت، حضرت سمندر فی‌الحقيقه مهر پرورند و بقدر امکان طالب التيام مگر آنکه اسباب چنين فراهم آيد که از عهده برنيايند

و جناب آقا علی نيز نهايت همّت را در حسن التيام داشته و دارند و آرزوی بقای وحدت تجارت داشتند و قصور و فتوری نخواستند ولی کار مشکل شد پس بايد ياران الهی چه در رشت و چه در قزوين برأی رزين و فکر دوربين در اين قضيّه تدبيری نمايند که اين خرق التيام يابد و اين قضيّه را اهتمام دهند رائی زنند و مشورتی نمايند و بهر وسيله که باشد اسبابی فراهم آرند که حضرت سمندر و آقا علی را راحتی حاصل گردد و از تشتّت امور فراغتی حاصل شود زيرا آن قلب پاک حيف است که در تشويش ديون و اضطراب ماند ياران بايد در چنين موقعی قوّت خلوص و حُسن آراء و فوائد شور بنمايند و بکمال روح و ريحان بتأييد حضرت يزدان تمشيت امور يکديگر دهند تا هر پاک جانی از شدّت زحمات و ورطه مشقّات نجات يابد و عليک التّحيّة و الثّنآء ع ع

